

نقد کتاب: «سیاست و عملکرد بریتانیا در قفقاز  
از سقوط رژیم تزاری تا غلبه بلشویکها (۱۹۲۱ -  
۱۹۱۷)»

نظام علی

دهنوی<sup>۱</sup>

چکیده

جنگ اول جهانی، قدرت‌های بزرگ روزگار خویش را درگیر کرد و همزمان در پایان جنگ، روسیه تزاری به خاطر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دچار تحولاتی بنیادین شد و از صحنه جنگ خارج گردید. یکی از نتایج سقوط روسیه تزاری، خروج نیروهای روسیه از منطقه قفقاز و ایجاد یک خلاء قدرت در این منطقه بود که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با یک رقابت شدید در پی تسلط بر آن برآمدند. یکی از قدرت‌هایی که تلاش زیادی در راستای حضور در منطقه قفقاز صورت داد، بریتانیا بود که اهداف خاصی را دنبال می‌کرد که از جمله آن‌ها مقابله با حضور آلمانی و ترک‌ها در این منطقه و جلوگیری از دسترسی آن‌ها به نفت باکو بود و از دیگر اهداف دولتمردان این کشور تلاش زیاد در سرنگونی بلشویک‌ها با حمایت از ارتش داوطلب روس‌های سفید می‌توان برشمرد. بررسی کتاب «سیاست و عملکرد بریتانیا در قفقاز از سقوط رژیم تزاری تا غلبه بلشویک‌ها (۱۹۲۱ - ۱۹۱۷م)» نشان می‌دهد که نقات قوت آن در مقایسه با کاستی آن بیشتر است. مؤلف سعی کرده است که با رویکردی توصیفی و تا حدودی تحلیلی عملکرد بریتانیا را به عنوان کنشگری عمده در منطقه قفقاز در سال‌های مورد پژوهش بررسی نماید.

Email:

<sup>۱</sup> . استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور  
N\_dehnavi@pnu.ac.ir

**کلیدواژه:** قفقاز، بریتانیا، روسیه، نقد، خسروزاده.

نقد غیر مخربانه و با نگاهی کارشناسانه می‌تواند چراغ راه نویسندگان باشد و به شناخت نقاط قوت و کاستی‌های اثر کمک فراوان نماید. نقد به عنوان یک کنش ارزیابانه در دو حوزه معرفی و ارزیابی شکلی اثر و نیز ارزیابی محتوایی آن صورت می‌گیرد. حال کتاب *سیاست و عملکرد بریتانیا در قفقاز از سقوط رژیم تزاری تا غلبه بلشویکها* (۱۹۲۱ - ۱۹۱۷م در دو حوزه مذکور مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت:

#### ۱. نقد و ارزیابی شکلی اثر

کتاب «سیاست و عملکرد بریتانیا در قفقاز از سقوط رژیم تزاری تا غلبه بلشویکها» (۱۹۱۷ - ۱۹۲۱) نوشته سیروان خسروزاده، توسط انتشارات وزارت امور خارجه ایران در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسید. این کتاب شامل ۱۷۴ صفحه و در چهار فصل تنظیم شده است.

فصل نخست با عنوان «دنسترفورس یا نخستین مداخله نظامی بریتانیا در قفقاز» به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این فصل به موضوعاتی چون مقاصد ترکها، مقاصد آلمانها، انگلستان و تصمیم به مداخله نظامی در قفقاز و شمال غرب ایران، انگلیسی‌ها و سازماندهی تشکیلات مسیحی، تلاش‌های دنسترویل برای ورود به قفقاز، فراز و فرود کمون باکو، ورود دنسترفورس به باکو، اوضاع باکو، حمله ترکها به باکو، سرانجام دنسترفورس، سرانجام تشکیلات مسیحی، دنسترویل و ناوگان دریایی خزر، سرانجام کمیسرها و پایان حضور عثمانی در باکو پرداخته است (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۵۱ - ۵).

معیار تقسیم‌بندی نویسنده در فصل نخست، روند تاریخی حضور انگلیسی‌ها جهت مقابله با نفوذ

آلمانی‌ها و ترک‌ها در منطقه قفقاز است. خسروزاده سعی کرده است که سیاست‌های بریتانیا در قفقاز را پس از سقوط روسیه تزاری و خلع قدرت ناشی از این فروپاشی و نیز تلاش‌های دولت‌های آلمان و عثمانی جهت حضور در این منطقه را شناسایی و تحلیل نماید.

نویسنده در فصل دوم کتاب با عنوان «اشغال مجدد قفقاز توسط بریتانیا»، به نقش انگلستان در اجرای معاهده مدروس و نیز عملکرد آن کشور در برابر جمهوری‌های قفقاز پرداخته است. همچنین موضع بریتانیا در قبال اختلافات جمهوری‌ها و نیز واکنش دولتمردان این کشور در برابر دخالت‌های روس‌های سفید در قفقاز از دیگر موضوعات مهم این فصل به شمار می‌رود. موضوع کنفرانس صلح پاریس و واکنش قدرت‌های بزرگ همانند بریتانیا در برابر خواست نمایندگان جمهوری‌های قفقاز از دیگر مباحث اساسی این فصل محسوب می‌شود. رویکرد اقتصادی انگلیس نسبت به منطقه قفقاز و مسئله قیمومیت ایتالیا بر آن منطقه پس از خروج نیروهای بریتانیا از دیگر مباحث و موضوعاتی بود که نویسنده در این فصل به آن پرداخته است (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۸۳ - ۵۱).

فصل سوم کتاب با عنوان «از جنبش دنیکین تا آغاز مذاکرات بازرگانی انگلیس و شوروی» پنج زیر فصل را شامل می‌شود. در این فصل ضمن پرداختن به دلایل مخالفت‌های بریتانیا با انقلاب اکتبر و بلشویک‌ها، به تلاش‌های دنیکین در رویارویی با بلشویک‌ها در روسیه و نیز اقدامات او در منطقه قفقاز پرداخته شده است. شکست دنیکین از بلشویک‌ها و واکنش بریتانیا در قبال آن و نیز سرنوشت ناوگان دنیکین از مباحث پایانی این فصل به شمار می‌روند (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۳ - ۸۳).

فصل چهارم کتاب با عنوان «سیاست انگلیس در قبال قفقاز از شکست دنیکن تا سقوط جمهوری‌ها» می‌باشد. در این فصل به موضوعاتی چون استقلال جمهوری‌ها، خطر اتحاد بلشویک‌ها و ترک‌ها، مسئله باطومی، سقوط آذربایجان و اشغال انزلی توسط ارتش سرخ، کنگره ملل شرق در باکو، سقوط ارمنستان و گرجستان و پایان سیاست انگلیس در قفقاز و سازش انگلیس و شوروی پرداخته شده است (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۱ - ۱۰۳).

از جمله نقاط قوت این پژوهش، پیوست‌های آن می‌باشد. نویسنده قسمتی از کتاب، یعنی ۲۷ صفحه از اثر خویش را به پیوست‌ها اختصاص داده است. در این قسمت تعدادی از اسناد و نیز تصاویر افراد و شخصیت‌های تأثیرگذار در رویدادهای قفقاز به علاوه چند نقشه اختصاص داده است که بر غنای کتاب افزوده است (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۱۶۷ - ۱۳۱). نقطه قوت دیگر اثر، رعایت دقیق اصول علمی ارجاع دهی در متن و نیز کتابنامه است. شیوه ارجاع دهی در متن به صورت پانویس می‌باشد که بررسی کامل آنها نشان داد نویسنده در این حوزه مناسب عمل کرده است. کتابنامه اثر بسیار دقیق تقسیم‌بندی شده است.

طرح روی جلد کتابها بیانگر موضوع و محتوای آنها می‌باشد. به نظر می‌رسد، طرح جلد این کتاب از بعد انتخاب نوع رنگ و نیز تصویر آن بسیار ناهمگون است. کاربرد رنگ کرم در بیشتر قسمت‌های روی جلد، پشت و عطف آن، خواندن عنوان کتاب و نویسنده آن را مشکل کرده است. اگر کتاب در یک قفسه کتابخانه قرار گیرد به هیچ وجه نمی‌توان عنوان کتاب و نویسنده را در قسمت عطف کتاب خواند.

اگر چه خط و قلم مناسب از امتیازات چاپی اثر می‌باشد، اما پاشیدگی لکه‌های ریز جوهر در

سراسر کتاب از ارزش این بخش بسیار کاسته است. ذکر تاریخ سال وقایع به میلادی و تقارن آن به هجری شمسی امکان شناخت دقیق رویدادها را آسان‌تر نموده است، اما در برخی از صفحات نخست کتاب این مهم تا حدودی صورت نگرفته است. نویسندگان پراکنده‌گویی دوری جسته است، اما چنان تخصصی به رویدادها و حوادث سال‌های موضوع اثر پرداخته است که می‌توان جای نگاهی کوتاه به برخی از حوادث مرتبط در مناطق دیگر از خاک روسیه را خالی دید. شیوایی و رسایی یک اثر و کاربرد صحیح علائم سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی نشان از پختگی نویسندگان دارد و نقش برجسته‌ای در جلب و جذب خوانندگان و به‌خصوص متخصصان موضوع اثر در پی دارد. یکی از عمده‌ترین نارسائی‌های نوشتار در سراسر کتاب، عدم رعایت موارد مذکور است. بی‌توجهی به علایم سجاوندی و نیز نگارش و تدوین جمله‌بندی‌های غیر صحیح در سراسر کتاب، از جمله نارسائی‌های بارز این اثر است و خواندن آن را ملال‌آور نموده است. اثر نیاز به یک ویرایش علمی و به‌خصوص ادبی داشته است که به نظر می‌رسد که ناشر توجه چندانی به این مهم نداشته است.

## **۲. نقد و ارزیابی محتوایی اثر:**

از جمله نقاط قوت این اثر، استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی و معتبر در کنار آثار و تحقیقات فراوان است که بر غنای بیشتر کتاب افزوده است. ارائه نتیجه‌ای به نسبت جامع در پایان هر فصل و در نهایت نتیجه‌گیری کلی در پایان اثر، خواننده را در درک کلی مباحث یاری می‌رساند. کتاب فاقد مقدمه است که نویسندگان به جای آن از موضوعی با عنوان «یادداشت مؤلف» استفاده کرده است. در مقدمه طرح اولیه اثر، چارچوب فصل‌ها، بیان مسئله، روش تحقیق، اهداف، سؤالات و.. مطرح می‌گردد، اما این اثر فاقد بیان روش تحقیق،

اهداف و سؤالات است. رویکرد مسئله‌مند و مسئله محور در پژوهش‌ها و مطالعات در حوزه علوم انسانی، نقش برجسته‌ای در هدایت تحقیقات در این حوزه را دارد. خسروزاده در این کتاب مسئله خاصی را مطرح نکرده است و در چارچوب یک اثر تا حدودی آموزشی و در راستای توصیف رویدادها قلم زده است.

یکی از نارسایی‌های اساسی این کتاب، عدم ارائه رویکردی تئوریک به تحولات منطقه قفقاز در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول است. نویسنده گرچه به تئوری «بازی بزرگ» در مناسبات روسیه تزاری و بریتانیا در قرن نوزدهم اشاره‌ای کوتاه دارد، اما از آن در تحلیل مناسبات دولت‌های مذکور در آن دوره و جایگاه منطقه قفقاز در بازی بزرگ نپرداخته است. خلاء قدرت در منطقه قفقاز در پی سقوط روسیه تزاری، اهمیت مسیر تجاری این منطقه، وجود معادن نفت باکو، واقع شدن بر ساحل خزر و دریای سیاه، وجود رشته کوه‌ها با گذرگاه‌های استراتژیک در این منطقه، چشمداشت‌های آلمانی‌ها و ترک‌ها به این حوزه، حضور اقوام و اقلیت‌های مختلف و همجواری تمدن‌های روسی، ایرانی و ترک در این منطقه بر اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک قفقاز افزوده بود. در همین زمان، بریتانیا کمیسیونی در تاریخ اکتبر ۱۹۱۹ / آبان ۱۲۹۸ به ریاست «سر هالفورد مکیندر» انتخاب و برای یاری ژنرال دنیکن، از مخالفان سر سخت بلشویک‌ها و طرفدار احیای روسیه، به جنوب آن کشور اعزام کرد (خسروزاده، ۱۳۹۴: ۹۰). مکیندر همان نظریه پرداز بزرگ تئوری هارت لند (قلب زمین) است که منطقه اوراسیا را قلب زمین می‌دانست که قفقاز نیز بخشی از آن بود. به نظر می‌رسد که نویسنده می‌توانست با تکیه بر اهمیت جایگاه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک قفقاز و با

تکیه بر تئوری مذکور، تحلیلی نظام‌مند از نقش و حضور بریتانیا و دیگر قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز ارائه دهد که کتاب از توصیف صرف رویدادهای تاریخی خارج شود و جایگاه علمی برجسته‌تری پیدا کند.

پیشینه پژوهش و نقد و بررسی منابع و مآخذ نقشی ارزشمند در تحقیقات متأخر دارد و سهم و مشارکت تحقیق را در بسط حوزه مورد مطالعه در مقایسه با دیگر پژوهش‌ها مشخص می‌نماید. در ضمن، توجه به پیشینه پژوهش زمینه عمومی مطالعه و اشراف محقق را بر کار پژوهشی روشن می‌نماید. وجود این بخش در پژوهش‌ها و نقد و تحلیل متون مورد استفاده در حوزه تحولات قفقاز در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول بر اهمیت و بدیع بودن اثر نقش فراوانی دارد. در کتاب خسروزاده جای توجه به پیشینه تاریخی خالی است.

### ۳. ارزیابی نهایی اثر

کتاب «سیاست و عملکرد بریتانیا در قفقاز از سقوط رژیم تزاری تا غلبه بلشویک‌ها (۱۹۲۱ - ۱۹۱۷)» دارای امتیازات قابل توجهی است، اما با انجام ویرایش ادبی و توجه به رویکردهای نظری و تحلیلی به جای توصیف صرف رویدادهای تاریخی، جایگاه آن تا حد یک کتاب درسی دانشگاهی ارتقا می‌یابد. نویسنده در بیان برخی از موضوعات اساسی در باب تحولات قفقاز و جمهوری‌های تازه استقلال یافته بسیار کم توجه بوده است که اگر دقتی بیشتر در بسط آن‌ها صورت می‌گرفت نقشی مهم در نظم بخشی کتاب ایفا می‌شد.

از کاستی‌های عمده این کتاب، فقدان فصلی پیرامون تاریخ مختصر قفقاز در سده نوزدهم میلادی است. در این قرن، منطقه قفقاز صحنه جدال میان سه قدرت ایران، عثمانی و روسیه بود و در نهایت، در این نزاع امپراتوری روسیه تزاری برنده

گردید. در این جدال، دولت‌های فرا منطقه‌ای چون بریتانیا نیز به نقش آفرینی دست زدند. پس تاریخ قفقاز و تحولات این منطقه، به‌خصوص از دوره پس از جنگ‌های ایران و روسیه، می‌طلبید فصلی کوتاه به آن اختصاص می‌یافت که خواننده ضمن آشنایی با رویدادهای مهم آن دوره، به جایگاه استراتژیک و اهمیت اقتصادی منطقه تا حدودی آگاه می‌شد.

یکی دیگر از فصولی که نیاز بود در این اثر اضافه شود موقعیت جغرافیایی و اهمیت ژئوپلیتیک منطقه قفقاز بود. جغرافیای قفقاز نشان می‌دهد که این منطقه در مرز میان دو تمدن اسلامی و مسیحی و سه فرهنگ روسی، ترکی و ایرانی قرار گرفته است که این مسئله نقش عمده‌ای در تعارض‌های قومی و مذهبی در دوره پس از فروپاشی روسیه تزاری در پی داشت (Shahnazaryan, 2006: 17).